

این کتاب را به نیابت از «شهادی
والا مقام کربلا» به بزرگ‌زاده امیر
عالم، نور چشم فاطمه اطهر علیها السلام
صدیق صغری، عقیله بنی‌هاشم،
زینب کبری علیها السلام تقدیم می‌نمایم.

مؤلف

غربت آفتاب

سید محمد بنی‌هاشمی

تهران، نشر حمزه، ۱۳۸۶، شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۰۸۱-۷-۷

۲۹۷/۴۶۲۵ BP ۲۲۴/۴ / ۷۰۱۱۷ ۱۳۸۵

کتابخانه‌ی ملی ایران ۸۵-۲۳۱۳۰م

تلفن مراکز پخش: ۷۷۵۲۱۸۳۶ / ۲۲۸۴۷۰۳۵ / ۸۵۲۹/ ۲۲۲۰۲۶ / ۶۶۴۸۰۰۲۶

قیمت یک‌هزار و هفتصد تومان

غریب یوسف

دکتر سید محمد بنی اشقی

فهرست مطالب

۷	سخن ناشر
۹	پیش‌گفتار
۱۳	مقدمه
۱۳	✓ اهل بیت علیهم‌السلام ، نعمت کفران شده

فصل اول: امام قدر ناشناخته

۱۷	✓ معنای اول غریب ۱۷ ✓ قدر ناشناخته بودن امام عصر علیه‌السلام ۱۹
	✓ قدر ناشناخته بودن صفات امام عصر علیه‌السلام ۲۳ ✓ الف) امامت ۲۴ ✓ ب) ولایت ۲۶ ✓ ج) عصمت ۲۸ ✓ د) نص بر امامت ۳۲ ✓ بی اعتقادی به امام علیه‌السلام و راه نجات از آن ۳۵

فصل دوم: امام از یاد رفته

۴۷	✓ معنای دوم غریب ۴۷ ✓ چگونگی یاد کردن از امام عصر علیه‌السلام ۵۰ ✓ امام زمان از یاد رفته ۵۳
----	--

۶۹ فصل سوم: امام فرو نهاده

- ✓ معنای سوم غریب ۶۹ ✓ مهجور بودن امام عصر علیه السلام ۷۱
 ✓ علم مصوب ۷۱ ✓ کشتی نجات ۷۲ ✓ ریشه هر خیر ۷۳
 ✓ آب شیرین و گوارا ۷۵ ✓ شاهد بر ائمت ۷۶ ✓ رفیق مونس ۷۷ ✓ پدر
 دلسوز ۷۹ ✓ مقایسه «بئر معطله» با «ماء معین» ۸۰

۹۱ فصل چهارم: امام دور از اهل و دیار

- ✓ معنای چهارم غریب ۹۱ ✓ عزت امام عصر علیه السلام ۹۱ ✓ سکونت امام
 عصر علیه السلام در نقاط دور دست ۹۴

۹۹ فصل پنجم: امام بی یار و یاور

- ✓ معنای پنجم غریب ۹۹ ✓ وصف یاران خاص امام عصر علیه السلام ۹۹ ✓ اندک بودن
 یاران امام علیه السلام ۱۰۱

۱۰۹ فصل ششم: منتقم خونِ امام حسین علیه السلام

- ✓ امام غریب ۱۰۹ ✓ خونخواه سید الشهداء علیه السلام ۱۱۰ ✓ انتقام الهی از قاتلان
 امام حسین علیه السلام ۱۱۵ ✓ فهرست منابع ۱۳۵

هر چند سخن در باره خاتم‌الاولیاء، حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه با وسعت دید و ظرفیت کوچک و محدود ما زمینیان کاری است دشوار، اما باید پایه‌های آن را دقیق و استوار بنا کرد.

هرچند در باره آن آفتاب سپهر امامت و علّت ایجاد دایره خلقت، به هر زبان سخن گفتن، دل‌نشین و زیباست، اما بایسته است که این معرفی در پرتو زبان وحی باشد و آن سان که خود به معرفی حضرت خویش زبان مبارک گشوده‌اند، قلم را چرخاند و شیوه سخن را استوار ساخت.

گاهی انسان، سال‌ها متون دعاها یا فرمایشات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را می‌خواند ولی هرگز با دقت و فراست به آن نمی‌اندیشد. و گاهی یک جمله از فرازهای زیبای مناجات‌های آن بزرگواران یا فرمایشات پُر بهای آنان در چپه نوینی را به روی انسان می‌گشاید و سیر اندیشه‌های او را تغییر می‌دهد و او را در برابر جهان جدیدی از دانش و بینش قرار می‌دهد. و زمانی با توجه به

ژرفای عمیق یکایک کلمات آنان، روزنه‌ای به گستره ناشناخته دانش و بینش گشوده می‌شود و آن‌چنان معنائی نهفته در هر کلمه را در بلندای دانش می‌بیند که هر چه آن را بیش‌تر می‌کاود، به گستردگی آن بیش‌تر پی می‌برد و در جان و روانش و در تار و پود وجودش رسوخ می‌کند.

غربت امام عصر علیه السلام حکایتی است جانسوز از «غربت آفتاب» در پشت ابر مانده، آن ماء معین الهی، آن منتظر مقتدر ارواحنا فدا.

حکایتی است از تنهایی و طرد شدن عزیزی که امام باقر علیه السلام در توصیف حضرتش می‌فرمایند: «إِنَّ الشَّرِيدَ الطَّرِيدَ الْفَرِيدَ الْوَحِيدَ»^۱ تذکاری است با سوختگان محبت آل رسول صلی الله علیه و آله تا آن اقیانوس بی‌کرانه علم و قدرت الهی، در بعد غربت و تنهایی‌اش بیش‌تر مورد تأمل قرار گیرد.

باشد تا دلدادگان آستان قدس ولایت علوی و سر سپردگان ولایت مهدوی را در یاری و خدمت و عرض ارادت به حضرتش مددکار باشد و روان پاک خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را خرسند سازد. به قول قاننی شیرازی:

غمگین شود به هر چه تو غمگین شوی، رسول
شادان شود به هر چه تو شادان شوی، خدا

پیش‌گفتار

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ
سلام بر تو ای امام، ای جان جانان، ای عزیز عزیزان، ای ماه تابان،
و ای خورشید پشت ابر.

سلام بر جدّ غریب و مظلومت، سرور شهیدان عالم، همو که در
زیارتش «غریب الغرباء» خوانده می‌شود.^۱ و تو «غُریب» را از آن
شهید مظلوم به ارث برده‌ای!

مولای من، گمان نمی‌کردیم روزی فرا رسد که بخواهیم از
«غُریب» شما سخن بگوییم. مگر می‌شود کسی که همه هستی به
طُفیل او و برکت وجودش بریاست، و مؤمن و کافر از کنار سفره او
روزی می‌خورند، ناشناخته بماند؟! مگر ممکن است آن‌که همه
انبیاء و اولیای خدا چشم انتظار قدومش هستند، فراموش شود؟!

۱- «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَرِيبَ الْغُرَبَاءِ» جمله‌ای از زیارت امام حسین (علیه السلام) که مرحوم سید
بن طاووس آن را در آداب حرم مطهر سیدالشهدا (علیه السلام) نقل کرده است. رجوع شود به
مفاتیح الجنان، آداب حرم امام حسین (علیه السلام)، ادب بیستم.

مگر می‌توان باور کرد که سرچشمه آب حیات و اقیانوس بیکران رحمت الهی، مطرود لب تشنگان گردد؟! و مگر می‌توان پذیرفت که انتقام گیرنده خون خدا، همچون جدّ شهیدش، غریب و مظلوم واقع شود؟

سخن گفتن از غربت شما چقدر سخت و دشوار است! ای کاش، خورشید عالم تاب وجود شما از پس ابرهای غیبت آشکار می‌شد تا دیگر کسی شما را غریب نمی‌خواند و این کتاب هم هرگز منتشر نمی‌شد!

ای کاش چنین روزی فرا نمی‌رسید که دوستان شما دور هم حلقه زده و در غربت شما اشک ماتم بریزند!

خدایا چه می‌شود که آن محبوب دل‌ها و آن غریب الغرباء را آشکار کنی تا دل‌باختگانش در سالروز میلادش به جای اشک غم، گریه شوق بر دیدگان‌شان ظاهر شود و در جشن‌های میلاد پُر شکوهش به جای آن که از غربت او سخن بگویند، به تماشای جمال دلربایش بنشینند و به عزّت و سربلندی مولایشان بر جهانیان افتخار کنند و به زبان مترنم شوند: «دیدید بالاخره مولای ما آمد!»

سپس همه عالم را دعوت کنند که «بیایید مولای ما را مشاهده کنید! آیا چنین مولایی تا کنون دیده‌اید؟!» و بدین‌سان زمان مظلومیت آن یگانه دوران و جان‌جانان به سر آید و همه جا صحبت از آقایی و عزت آن عزیز بر زبان‌ها افتد.

هنوز هم امیدواریم که خجسته ظهور مولای سربلند ما، اشک‌های دیدگان ماتم‌زده در غم غربت ایشان را بخشکاند و لب‌خند شوق را بر

لبان شیفتگان بنشانند. بارالها! این امید را در ما لحظه به لحظه افزون گردان و حسرت درک چنین روزی را بر دل‌های ما مگذار.

مولای من، وقتی سخن از غربت شما به میان می‌آید، بسیاری آن را صرفاً امری احساسی و مبالغه‌آمیز تلقی می‌کنند، دریغا! که بعضی شیعیان هم از غربت شما غافل هستند و لازم است برای آنها اثبات شود که شما غریب هستید! و این خود نشانه دیگری از «غریب الغرباء» بودن شماست. پس شما در میان غریبان هم غریب هستید! و قلم تاب آن را ندارد که درباره این حقیقت تلخ چیزی انگارد.

اما چه می‌توان کرد؟ باید این تلخی‌ها را بازگو کرد تا خفتگان بیدار شوند. فکرها زنده گردد، دل‌ها بسوزد، اشکها بر گونه‌ها بغلتد و دست‌ها به سوی پروردگار عالم برآید که:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

خدایا ما با درد محرومیت از امام زمان (عج) و یتیمی در زمان غیبت چنان خُو گرفته‌ایم که به تدریج مولايمان را فراموش می‌کنیم! بارالها ما آبرویی نداریم، اما بر غربت و تنهایی محبوب خودت رحم کن و ایشان را از این مظلومیت و بی‌کسی خارج گردان!

مدت‌ها بود که حدیثی در باره امام عصر (عج) مرا به تأمل واداشت. این حدیث از حضرت موسی بن جعفر (عج) نقل شده که در توصیف فرزند عزیزشان فرموده‌اند:

هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ...

او طرد شده تنهای غریب است...

آیا واقعاً امام زمان ما تنها و غریب هستند؟ اگر نخواهیم فرمایش معصوم علیه السلام را حمل بر مسامحه و مبالغه‌گویی کنیم، چه معنی یا معانی را می‌توانیم برای آن قائل شویم؟

به لطف و عنایت خود آن حضرت، پنج معنای مختلف برای غربت ایشان می‌توان دریافت؛ که سه معنای آن، متناظر با سه مرتبه از مراتب شکرگزاری نسبت به نعمت وجود امام علیه السلام است. به این صورت که هر مرتبه از کفران این نعمت عظمی منتهی به یک معنا از غربت ایشان می‌گردد. هر یک از فصول یک تا پنج کتاب حاضر به اثبات و شرح یکی از معانی غربت امام عصر علیه السلام اختصاص دارد و در فصل پایانی (ششم) کتاب، به مناسبت توضیح حدیث امام هفتم علیه السلام بحث انتقام گرفتن مهدی موعود علیه السلام تعالی فرجه از قاتلان حضرت سید الشهداء علیه السلام مطرح شده است.

این نوشته پیشتر به عنوان بخش سوم از کتاب «آفتاب در غربت» در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ به چاپ رسیده و اکنون با اعمال تغییر و اصلاح بسیار جزئی، به صورت مستقل منتشر می‌گردد. امید آن که با مطالعه آن، غربت مظلومانه امام زمانمان علیه السلام بیش از پیش آشکار شود و دست‌های مؤمنان برای رفع آن در پیشگاه الهی به دعا بلند گردد.

ربیع الاول ۱۴۲۷ / فروردین ۱۳۸۵

سید محمد بنی هاشمی

مقدمه

اهل بیت علیهم السلام، نعمت کفران شده

با این که وجوب شکر منعم بدیهی عقلی به شمار می آید ولی بسیاری از نعمت های الهی مورد بی توجهی و کفران واقع می شوند.

در این کتاب قصد داریم چگونگی برخورد مردم را با بزرگترین نعمت الهی - یعنی وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام - مورد بررسی قرار دهیم. در مطلع بحث، روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام - از پدران گرامی ایشان علیهم السلام نقل می کنیم:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُكْفَرًا لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُهُ، وَلَقَدْ كَانَ مَعْرُوفُهُ عَلَى
الْقُرَشِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْعَجَمِيِّ. وَمَنْ كَانَ أَكْثَرُ مَعْرُوفًا مِنْ رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ؟^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله مورد کفران قرار گرفته اند و کار خوب ایشان، شکر
گزارده نمی شود، در حالی که خیر ایشان به قریش و عرب و

عجم رسیده است. و چه کسی بیش تر از پیامبر ﷺ برای این

خلق کار خیر انجام داده است؟

تعبیر مُکْفَر - که از کفر و تکفیر گرفته شده - اسم مفعول از باب تفعیل، و به معنای «کفران شده» و یا «پوشیده شده» است. مکْفَر در اصطلاح به کسی اطلاق می شود که از او قدردانی نشود و نعمت وجودش مورد کفران واقع شده باشد.

کلمه «معروف» که در این روایت به کار رفته، یعنی کار خوب و نیک. خیر پیامبر اکرم ﷺ عام و فراگیر، و شامل همه مردم - اعم از افراد قبیله ایشان (قریش) و هم نژادی های ایشان (عرب)، و غیر آنها (عَجَم) - بوده است. معروف پیامبر ﷺ شامل گروه خاصی نبوده، بلکه همه عالم از آن بهره برده اند. ولی متأسفانه به طور شایسته از ایشان قدردانی نشده و مورد کفران قرار گرفته اند.

همان طور که امام موسی بن جعفر علیهما السلام تذکر فرموده اند، در میان مخلوقات خدا - از ابتدای خلقت تا انتهای آن - هیچ کس را نمی توان یافت که به اندازه پیامبر ﷺ در حق مردم کار خوب انجام داده باشد. پیامبر اکرم ﷺ مالک و واسطه همه نعمت های مادی و معنوی هستند، که به خلق خدا رسیده است. مهم تر از همه، این که امر هدایت الهی را تکمیل فرموده و اسلام را برای مردم آورده اند. نور هدایتی که به واسطه پیامبر ﷺ منتشر شده، به انسان حیات واقعی بخشیده است. و اگر انسان از این نعمت محروم می ماند، چه بسا از حیوانات گمراه تر می بود. حق این سرچشمه فیض الهی هیچ گاه ادا نگردیده و به همین علت، مکْفَر نامیده شده است.

امام علیه السلام نیز از جهت «مُکَفِّر بودن» همچون پیامبر صلی الله علیه و آله است. حضرت امام ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام در ادامه روایت یاد شده، فرموده‌اند که:

وَكَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلُ الْيَتِّ مُكَفِّرُونَ، لَا يُشْكِرُ مَعْرُوفُنَا^۱

و هم‌چنین ما اهل بیت نیز مُکَفِّر هستیم، چون شکر کارهای خوب ما ادا نمی‌شود.

خداوند متعال به انسان‌ها اراده و شعور و اختیار داده است تا آن‌ها با خواست خود در طریق رضای خالق خویش قدم بردارند. ولی متأسفانه مسیری که بشر تا امروز پیموده، به طور کامل مورد رضایت پروردگار نیست، زیرا انسان‌ها از کسانی که بیش‌ترین حقوق را بر گردنشان دارند، کم‌ترین قدردانی را کرده و آن‌ها را مورد بی‌توجهی قرار داده‌اند. مؤمنان برگزیده نیز مانند ولی‌نعمت‌هایشان مورد کفران واقع می‌شوند، و مُکَفِّر بودن را از موالی خویش به ارث برده‌اند. در ادامه روایت آمده است:

وَخِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكَفِّرُونَ، لَا يُشْكِرُ مَعْرُوفُهُمْ^۲

و برگزیدگان از مؤمنان، مُکَفِّر هستند، زیرا کار خوب آن‌ها مورد شکر قرار نمی‌گیرد.

واقعیت این است که بیش‌تر مردم - حتی شیعیان و دوستان آنان ائمّه علیهم السلام - با حقوق پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به طور کامل آشنا نیستند. و گاهی اصلاً به ضرورت شکرگزاری این نعمت بی‌مانند

الهی توجه ندارند. اگر هم موعظه‌ای شنیده و متذکر شوند، به زودی آن را فراموش می‌کنند.

در این نوشتار می‌خواهیم از این واقعیت تلخ سخن بگوییم، تا همگی باور کنیم که در دنیای ما پیامبر و ائمه علیهم‌السلام خصوصاً مولای عزیزمان حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف مُکَفَّر و غریب هستند. برای این منظور، معانی مختلفی از غربت ایشان را مورد توجه قرار می‌دهیم.